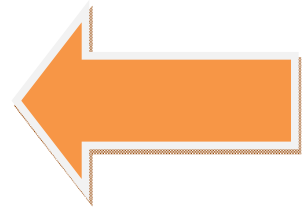


گزارش بازدید از بازار گل تهران



روز جمعه ۸۹/۲/۳۱ همراه با ۴۵ نفر از کودکان و اولیای آشیانه، عازم بازار گل شدیم ...

مسیر نسبتاً طولانی از غرب به شرق تهران با یک دستگاه اتوبوس تمیز و مرتب طی کردیم. مسیری نسبتاً طولانی که کمی شبیه یک سفر بسیار کوتاه از غرب به شرق تهران بود طی کردیم. اتوبوس تمیز و مرتبی برای این اردو در نظر گرفته شده بود اما به خاطر ناهماهنگی بعضی از دوستان عزیز و عدم اطلاع به موقع برای شرکت در این برنامه مجبور شدیم کمی تنگاتنگ بنشینیم تا همه روی صندلی ها جا شویم. با این حال سرخوشی و شادابی جمع کودکان و حضور پرشور، فعال و با طراوت اولیاء تنگی جا را از یادمان برد. گر چه همچون گذشته باز هم حضور پدرهای محترم کم رنگ بود اما مشاهده همان چند پدر عزیز در این جمع گرم خانوادگی بسیار غنیمت بود. برای گشت و گذار در بازار یک ساعت و ربع زمان داشتیم که با توجه به حضور کودکان در جمع زمانی مناسب و کافی به نظر می‌رسید.

قرار شد بچه ها طی گشت و گذار در بازار گل، نام گلها را بیبرسند و در راه برگشت، مجموعه نام گلها را بررسی کنیم. هدف از طرح این برنامه جلب نظر کودکان به تنوع گسترده گلها و گیاهان این فصل و نامهای جالب اغلب آنها بود. بد نیست بدانیم که اغلب گلهای باغچه ای با نامهای جالبی که البته نام علمی آنها نیست معرفی می‌شوند ...

حتی گهگاهی به نظر میرسد فروشندگان نامهایی را بر اساس ترکیب کلی گلها ارائه می‌دهند که هیچ ربطی به نام اصلی و علمی آنها ندارد. گوناگونی، طراوت و نرخ بسیار متفاوت محصولات بازار گل از ویژگی‌های بسیار دلچسب این بازار است که هر مراجعه کننده‌ای را بی‌اختیار وادار به تهیه حداقل یک دسته گل می‌کند. لازم به ذکر است که انواع سبد و گلدان و جعبه گل، وسایل باغبانی، انواع سموم و کودها و خاک گیاهی و حتی ابزار تزئینی مربوط به گل‌آرایی طبیعی در این بازار شگفت‌انگیز و جذاب عرضه می‌شود.

در راه برگشت از بازار تقریباً همه بازدید کنندگان دسته گلی و یا گلدانی همراه داشتند. با خودم فکر می‌کنم جمعه گذشته چندین خانه در تهران به گل و گیاه تازه آراسته شد و چه میهمانی دل‌انگیز و روح بخشی برپا بود.

در پایان دلم می‌خواهد شما را در یک تجربه زیبا نیز سهیم کنم. تصور کنید چرخی با چندین دسته گل و گلدان‌های رنگارنگ و کودکانی که میان گلها و اطراف چرچ، جابجا سرک می‌کشند و خنده و قهقهه‌اشان از این سواری هیجان‌انگیز، روزگار ساده و صمیمی گذشته را تداعی می‌کند و عهد کودکی که سرخوشی‌اش تنها یادگار شیرین آن روزگار است را به یاد می‌آورد. راننده این چرچ گل، باغبان تجربی پیری است که صبورانه با کودکان و مادران همراهی می‌کند ...

در راه برگشت نام گلها را با بچه ها مرور کردیم که در نهایت سی گل را نام بردند که برای گردش یک ساعته بسیار قابل توجه بود. جالبتر آنکه والدین نیز خودجوش و فعال در این پرس و جو با فرزندانشان شریک شده بودند.

گذر از تونل طولانی نواب نیز برای بچه‌ها بسیار هیجان‌انگیز بود که این هیجان و جذابیت را با بیج‌های ممتد و بلند بروز دادند!!

یک پذیرایی ساده و صمیمی با آب میوه و شیرینی انجام شد که پس از این گردش پرگل و البته کمی گرم بسیار چسبید.

حدود ساعت یک به آشیانه رسیدیم و با یک عکس دسته‌جمعی با طراوت اردو به پایان رسید. اغلب دوستان قول گردش‌های دیگر را از مسئولین آشیانه گرفتند و پس از آن محل را ترک کردند.

موزه فرش تهران در 7 خرداد وعده بعدی ماست.

به امید دیدار مجدد شما و دیگر دوستان